

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۲

تشخص سبکی در شیوه تصویرپردازی غزل نو

(ص ۲۰۵ - ۲۲۵)

حسین مافی (نویسنده مسئول)، دکتر قهرمان شیری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۹۶

#### چکیده

در دههٔ چهل، غزل نو با تلفیق شعر نیمایی و غزل سنتی پای به عرصهٔ وجود نهاد. سپس با نگاه عینی و تازهٔ شاعران نوغزلسرا به جهان پیرامون، نوآوریهای سبکی و افزودن عناصر دیگری از شعر آزاد، رفته رفته به رشد و بالندگی روی نهاد. ویژگی تصاویر در غزل نو به گونه‌ای است که آن را غزل تصویری نام نهاده‌اند. این مقاله بر آن است که برای این سؤال پاسخی بیابد که تصویر در غزل امروز نسبت به گذشته چه تفاوت‌هایی دارد و شاعر نوغزلسرا از چه روشهایی برای تازه کردن تصاویر خیال خود استفاده کرده است، لذا هدف این مقاله این است که به بررسی ویژگی تصاویر در غزل نو بپردازد و شیوه‌هایی را که شاعران نوغزلسرا برای رسیدن به این منظور در پیش گرفته‌اند مورد بحث و مذاقه قرار دهد تا آشکار سازد که این روشها سبب تازه شدن تصاویر خیال و تشخص سبکی غزل معاصر شده است. نتیجهٔ پژوهش این است که غزل نو با شیوه‌های نوین تصویرپردازی سبک جدیدی را در غزل معاصر به وجود آورده است که آن را نسبت به دوره‌های قبل متمایز میسازد.

**کلمات کلیدی:** تصویر، تصویرپردازی، سبک، شعر معاصر، غزل، غزل نو

---

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (mafihos@yahoo.co.uk)  
۲- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (ghahreman.shiri@gmail.com)

### ۱- مقدمه

پس از تحولات وسیعی که شعر نو در عناصر مختلف شعر از جمله زبان، فرم، خیال و... در ادبیات ایران زمین ایجاد کرد، گروهی از شاعران که هنوز دل در گرو قالبهای کلاسیک داشتند به این فکر افتادند که این نوگرایی را در قالبهای کهنه هم بیازمایند. در این میان غزل را به عنوان محبوبترین و منعطفترین قالب شعر کلاسیک مناسبتر دیدند و با تلفیق عناصر شعر نو و غزل، سبک جدیدی در غزل پدید آوردند. «این نوع غزل جدید را غزل تصویری مینامیم... این غزل بدیع به هیچ وجه در زبان فارسی مسبوق به سابقه نیست.» (سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا: ص ۲۰۷)

یکی از ویژگیهایی که غزل نو را نسبت به غزل سنتی متمایز میسازد صور خیال یا تصویرپردازی متفاوت آن است. دکتر شفیع کدکنی خیال یا تصویر را حاصل نوعی تجربه میداند که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است: «هر گوشه‌ای از زندگی انسان با گوشه‌ای از طبیعت هزاران هزار پیوند و ارتباط دارد که ازین همه پیوندهای گوناگون، ذهن شاعر گاه یکی را احساس میکند و در برابر آن بیدار میشود، و حاصل این بیداری خود را به ما نشان میدهد.» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۳)

در حقیقت ساخت تصویر خیال حاصل دو عملکرد است: اول آنکه شاعر به تجربه اشیا و محیط اطراف خود میپردازد و سپس به یاری نیروی تخیل خود در این تجربه دخل و تصرف کرده به شکل تصویر خیال به خواننده منتقل میسازد. آفرینش این تصاویر خیال که از آن به «جوهر شعر» تعبیر شده است برای تشدید احساس خواننده و ایجاد التذاذ در اوست و بدیهی است که هرچه این تصاویر خیال‌انگیزتر و تازه‌تر باشند، تأثیر بیشتری خواهند داشت.

از آنجایی که شعر سنتی و از جمله غزل بعد از دوره بازگشت، تکرار تجربیات شاعران پیش از خود بود اغلب این شاعران بی آنکه به خود زحمت تجربه جهان پیرامون خود را بدهند، از تصاویر تکراری و دست‌فروشد گذشتگان استفاده میکردند و اگر هم سعی میکردند که تصویری جدید را ارائه دهند چون مصالح آن را در اختیار نداشتند اکثراً ناکام میماندند. اما گروهی از شاعران، نگاه «عینی» (objective) را جایگزین دید «ذهنی» (subjective) کردند و به جای تکیه بر الگوهای ذهنی و قراردادی به تجربیات خود از محیط اطراف تکیه کردند و با این نگاه نو به روشهای نوین برای آفرینش تصاویر خیال دست یافتند. پرسش مطرح در پژوهش حاضر این است که نوغزلسرایان از چه شیوه‌های تازه‌ای برای تصویرپردازی استفاده کرده‌اند و تا چه میزان میتوان غزل امروز را از لحاظ سبک دارای تشخیص دانست؟

## ۲- شیوه پژوهش

این مقاله به شیوه توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای با استناد به منابع پژوهش و آوردن شاهد مثال از کتابهای بیش از بیست و پنج شاعر نوغزلسرا، شیوه‌های تصویرپردازی در غزل نو را بررسی کرده، سپس به تحلیل ویژگیهای این تصاویر در مقایسه با غزل سنتی میپردازد.

## ۳- پیشینه بحث

درباره تصویر و شیوه‌های تصویرپردازی در غزل نو تاکنون کتاب جداگانه‌ای نوشته نشده است. در کتاب «سیر غزل در شعر فارسی» از سیروس شمیسا، در فصل هفتم یعنی «دوره غزل معاصر»، از غزل نو بدون هیچ توضیحی تحت عنوان «غزل تصویری» یاد شده است. (سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا: ص ۲۰۷-۲۰۹) همچنین محمدرضا روزبه در کتاب «سیر تحول در غزل فارسی (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)» در فصل ششم چند صفحه‌ای را به خیال اختصاص داده است و تنوع و تازگی را از ویژگیهای صور خیال این دوره شمرده است. همچنین زبان نمادین، غلبه بیان استعاری بر بیان تشبیهی و ارائه تشخیص حسی و عمیقتر را از ویژگیهای این دوره دانسته است. (سیر تحول در غزل فارسی، روزبه: ص ۱۴۸-۱۶۲) کاووس حسن‌لی هم فصل پنجم کتاب خود، «گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران» را به نوآوری در قالبهای گذشته شعر فارسی اختصاص داده است و از میان این قالبها غزل را برگزیده، ولی بیشتر به عنصر زبان و فرم توجه کرده است. (گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، حسن‌لی: ص ۴۱۶-۴۸۱) همچنین مقاله «تصویر و شیوه‌های توصیف در غزل نو (با تکیه بر اشعار سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی)» نوشته فاطمه مدرسی و رقیه کاظم‌زاده، تصویر را از نظر مضمون و عناصر مضمون‌ساز و تصویر در محور شعر بررسی کرده است و با دسته‌بندی شیوه‌های توصیف به سه دسته، ۱- مرحله شاعر و طبیعت بیجان، ۲- مرحله شاعر و طبیعت جاندار، ۳- مرحله شاعر و وحدت طبیعت، تصویر امروز را بیشتر حاصل دسته سوم میداند. (تصویر و شیوه‌های توصیف در غزل نو (با تکیه بر اشعار سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی)؛ فاطمه مدرسی، رقیه کاظم‌زاده؛ فصلنامه ادبیات فارسی؛ سال پنجم؛ شماره ۱۴؛ ۱۳۸۸)

## ۴- ضرورت تحقیق

یکی از مهمترین ویژگیهای غزل امروز تصویری بودن آن است و تصاویر نو، تشخص خاصی به غزل معاصر داده و آن را صاحب سبک جدیدی کرده است، از سوی دیگر «فهمیدن سبک ادبی به یک اعتبار، دیدن آن تصویرهای مخیلی است که شاعر در معنی ترسیم میکند.» (بیان، شمیسا: ص ۲۵) از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی ویژگیهای تصاویر در غزل نو بپردازد و شیوه‌هایی را بیابد که نوغزلسرایان برای آفرینش تصاویر منحصر به فرد در غزل استفاده کرده‌اند.

## ۵- شیوه‌های عمده تصویرپردازی در غزل نو

### ۵-۱- بکارگیری واژه‌ها و اصطلاحات زندگی مدرن امروز

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، اولین عملکرد در ساخت صور خیال، تجربه کردن محیط اطراف و انتخاب آگاهانه عناصر مورد نظر است. زمانی که شاعر به جای استفاده از واژه‌های کلیشه‌ای و ذهنی، واژه‌هایش را از محیط اطراف خود برمی‌گزیند، با زبان روزگار صور خیال جدیدی می‌افریند. «زبان چیزی جز ذهن نیست و ذهن چیزی جز زبان نیست. وقتی که زبان شاعر تکراری است، جهان‌بینی او هم تکراری است. آنهایی که تصور میکنند با زبان فرخی سیستانی یا با زبان سعدی شیرازی میتوان در این عصر، تجارب انسان عصر ما را تصویر کرد، به دلایل صد درصد علمی علم دلالت جدید حرفشان پوچ و بی‌معنی است.» (ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۲۷)

در غزل امروز، شاعر اغلب واژه‌هایش را از محیط اطرافش می‌گیرد. لغاتی چون: قهوه‌خانه، کوچه، خیابان، قلیان، استکان، ساعت، چای قند پهلوی، الاکلنگ، باغچه، روسری، سه‌تار، چمدان، ایستگاه، قطار، اتوبوس و... تصاویری بکر و تازه می‌افرینند.

در ایستگاهم و گم کرده‌ام قطارم را	که تو بهم زده‌ای با سفر قرارم را
(منم که می‌گذری، فرجی: ص ۴۶)	
هی قهوه‌چی! ستاره به قلیان من بریز	جای زغال روشنش از آفتاب کن
(میخانه بی‌خواب، بدیع: ص ۷۲)	
تو از معابد مشرق‌زمین عظیمتری	کنون شکوه تو و بهت من تماشاییست
(از ترمه و تغزل، منزوی: ص ۴۳)	
کفش چرمی، چتر، فروردین، خیابان شلوغ	یک شب بارانی غمگین خیابان شلوغ
	(عشق قابیل است، زارع: ص ۴۵)

### ۵-۲- استفاده از اصطلاحات تخصصی علوم مختلف

یکی دیگر از شگردهای غزل نو بهره‌گیری از واژه‌ها و عناصر علوم ریاضی، ادبی، جغرافیایی و غیره برای وسعت بخشیدن به پهنای خیال و ساخت تصاویر بدیعی است که آن را نسبت به غزل کلاسیک متمایز میکند.

### ۵-۲-۱- اصطلاحات ریاضی

من و تو آن دو خطیم آری موازیان به ناچاری  
که هر دو باورمان ز آغاز به یک‌دگر نرسیدن بود  
(از ترمه و تغزل، منزوی: ص ۱۷۸)

شعاع درد مرا ضرب در عذاب کنید  
مگر مساحت رنج مرا حساب کنید  
(تنفس صبح، امین پور: ص ۱۳۱)

#### ۵-۲-۲- اصطلاحات ادبی

زن جوان غزلی با ردیف آمد بود  
که بر صحیفه تقدیر من مسود بود  
زنی که مثل غزلهای عاشقانه من  
به حسن مطلع و حسن طلب زبازد بود  
(مجموعه اشعار، منزوی: ص ۴۵)

در شهر ما بهار پر از گل رباعی است  
پاییز مثنوی است، زمستان قصیده است  
(گزینه غزل، طریقی: ص ۴۰)

به من بگو غزلی باشم و تو شاعر باش  
مرا سپید کن و آشنای کن  
(چمدان معطل، فرجی: ص ۴۳)

#### ۵-۲-۳- اصطلاحات معماری

«بروان هشتی تو چون طاق، ای چشمهات حوضچه کاشیدر عمق چشمهای شما آیا، این چیست  
اینچنین شد.»

طرح اسلیمی گیسوی تو را نیست نظیر  
این خیالی است که نیلوفر صحرا دارد  
(حماسه در حریر، احتشامی: ص ۵۹)

#### ۵-۲-۴- اصطلاحات نقاشی

تو پرت میشدی از شرة قلموهات  
که نقشهای تو را بومرنگها خوردند  
نسرین مرادیان (غزل روزگار ما، حسینی، ج ۱: ص ۲۵۳)

قلمو داشت میرقصید در خواب سپید بوم  
شبه بادبادک توی چشم کودک معصوم  
مهرابی (نحو دیگر غزل، زارعی: ص ۱۶۸)

#### ۵-۲-۵- اصطلاحات سینمایی

فلش بک است: به ده سال پیش برگشتیم  
نمیشناخت کسی ربط نان و آجر را  
(آقای هیچکس، ابراهیم پور: ص ۱۴۲)

سکانس آخر: زن، پشت بام، یاس، سقوط  
و رنگ قرمز، تصویر روی زن، و سکوت  
(صدای موجی زن، قریشی: ص ۳۸)

#### ۵-۳- ترکیب‌سازی‌های جدید

بعضی از شاعران غزلسرا با بهم ریختن محور همنشینی کلمات، نظام مأنوس خانوادگی کلمات  
را بهم ریختند و با هنجارشکنی این نظام معتاد تصاویر و ایمازهای جدید آفریدند.

توجه به شاعران سبک هندی، به خصوص اشعار بیدل دهلوی و بعضی از شاعران نیمایی به‌ویژه سهراب سپهری از دلایل مهم این رویکرد می‌باشد. در برخی از این غزلها عنصر عاطفه، خیال و اندیشه در ذهن شاعر به خوبی نقش می‌بندد که حاصل آن ترکیباتی با تصاویر نو، مخیل و عمیق است ولی گاهی نیز زیاده‌روی در استفاده از این ترکیبات به قول دکتر شفیع کدکنی به «جدول ضرب» و بازی با کلمات تبدیل می‌شود. (ر.ک. با چراغ و آینه، شفیع کدکنی: ص ۵۹۶)

یکی از طلایه‌داران این عرصه، نصرالله مردانی بود. او به شاعر ترکیب‌ساز شهرت یافت. همچنین، به پدیدآور «غزل سرخ» معروف است و در غزلهایش بسیار از واژه خون بهره برده و آن را یکی از طرفین ترکیب قرار داده است. «کمتر غزلی از او میتوان سراغ گرفت که حداقل یک یا چندین بار این واژه در آن نیامده باشد. ترکیباتی مانند اسب خون، خون نور، خون گل، خواب خون، تیشه خون، محراب خون، غزل خون، شور خون، کربلای خون، خون روشنائی، تاریخ خون، خون آتش، خون‌نامه خاک، بارقه خون، زلال خون، و...» (بانگ در بانگ، طاهری: ص ۱۹۳)

از خان خون گذشتند صبح ظفر سواران	پیغام فتح دارند آن سوی جبهه یاران
در شط سرخ آتش نعش ستاره میسوخت	خون‌نامه نبرد است آیین پاسداران
در کربلای ایثار مردانه در ستیزند	رزم‌آوران اسلام با خیل نابکاران
	(خون‌نامه خاک، مردانی: ص ۲۴-۲۵)

#### ۵-۴- تصویر دنیای کودکی

ساخت تصاویر جدید مربوط به دنیای کودکی، با استفاده از عناصر دوره کودکی و شخصیت‌های دوست‌داشتنی دنیای کودکان به طور جدی از شعر نیمایی آغاز شد.

آوردن این عناصر علاوه بر صمیمیت، حس نوستالژی را در مخاطب برمی‌انگیزد و به فانتزی و رؤیایی شدن شعر نیز کمک شایانی می‌کند. غزلسرایان نو نیز به تاسی از شعر نیمایی، برای مخیل کردن اشعار خود از این شیوه بهره برده‌اند.

برقص و چرخ بزن، چرخ چرخ عباسی	سراسرم هیجان‌یست کودکانه، برقص
عید، پول زرد و عروسک، عید کفش برقی و دامن	عید ترک مشق و دبستان عید شاد کودکی من
نسیم و نخ بده از خاک تا رها بشود	(یک دریچه آزادی، بهیسانی: ص ۸۱)
	به یک اشاره تو روح بادبادکیم
	(مجموعه اشعار، منزوی: ص ۴۵۶)

یک لنگه کفش مانده به جا از من و تویی در جستجوی سیندرلایی که مدتی است  
(عشق قابیل است، زارع: ص ۱۵)

#### ۵-۵- نگاه تازه به محیط

گاهی تصاویر تازه‌ای که شاعر غزلسرای امروز می‌آفریند به سبب تازگی نگاه او به دنیاست. در این نوع آفرینش تصویر، شاعر گاه با همان واژه‌های قدیمی ولی با تغییر زاویه دید و گاه با استفاده از واژه‌هایی که مربوط به دنیای مدرن نیست ولی از چشم شاعران قدیم دور مانده است، با استفاده از وجه شبه و مشبه‌به‌های تازه و متفاوت، تصاویر نابی می‌آفریند.

در بیت ذیل، منوچهر نیستانی با زاویه دید جدید و منفی، ستاره را که در عرف ادبیات نشانه نور، روشنایی، اشک و... بود و کلاً تصویری مثبت می‌آفرید، به چشمهای مار تشبیه کرده است:  
گریست تلخ که صحرای آسمان خالیست ستاره‌های درو چشمهای ماراند  
(مجموعه اشعار، نیستانی: ص ۲۹)

اگرچه هیچ گل مرده دوباره زنده نشد اما بهار در گل شیپوری مدام گرم دمیدن بود  
(از ترمه و تغزل، منزوی: ص ۱۷۸)

تشبیه گل شیپوری به صور اسرافیل و بهار طبیعت به نفخ صور و یأس و ناامیدی شاعر با تصویر کشیدن گل مرده‌ای که حتی با دمیدن بهار در گل شیپوری (رستاخیز طبیعت) تغییری در وضع او ایجاد نمیشود، بیتی خیال‌انگیز و حزن‌آور آفریده است.

تو مثل دانه برفی، مرا تماشا بس گرفتن تو همانا تباه کردن تو  
(چمدان معطل، فرجی: ص ۴۲)

دریای شورانگیز چشمانت چه زیباست آنجا که باید دل به دریا زد همینجاست  
(حنجره زخمی تغزل، منزوی: ص ۱۷)

مرغابیان مژگان بر آبگیری از رنگ پرواز مینمایند چون هفت دسته دسته  
(آن سوی باد، پرنگ: ص ۸۶)

#### ۵-۶- استعاره مکنیه با مشبه‌به غیر جاندار

یکی از عناصر مهم و پرسامد در نوسازی تصویر غزل معاصر استعاره مکنیه از نوعی است که مشبه‌به آن غیرجاندار باشد. در کتابهای مختلف بلاغی قدیم عموماً استعاره مکنیه را مترادف با تشخیص و جاندارپنداری در نظر گرفته‌اند. «با اینکه توضیحات عبدالقاهر و صاحب تلخیص و همه علمای بلاغت به طوری است که از قانون کلی سخن می‌گویند اما اگر به شواهدی که می‌آورند دقت کنیم به خوبی درمیابیم که همه جا منظور از استعاره بالکنایه یا مکنیه، همین مسأله تشخیص است با این تفاوت که حوزه تشخیص از انسان به حیوان وسعت یافته.» (صور خیال در

شعر فارسی، شفيعی کدکنی: ص ۱۵۲-۱۵۳)

استفاده از این نوع استعاره در اشعار شاعران کلاسیک بسیار به ندرت اتفاق افتاده است. در کتاب «معالم البلاغۀ» بدون آنکه توضیحی درباره این نوع استعاره داده باشد شعری از صنایع آورده است.

«علمًا جملة هرزه میلافند دین بر پای هر کسی بافند  
دین را به دیبا و حریر تشبیه کرده و بافتن را که از لوازم دیبا و از مقومات وجه‌شبه است ذکر نموده.» (معالم‌البلاغۀ، رجایی: ص ۱۹۲)

و یا «و گفت: «به صحرا شدم. عشق باریده بود و زمین تر شده، چنانک پای به برف فرو شود به عشق فرو آمد.»» (تذکرۀ‌الاولیا، بایزید بسطامی، باب ۱۴، عطار نیشابوری: ص ۱۵۸) تازگی تصویر این متن در تذکرۀ‌الاولیا از زبان بایزید بسطامی به علت استفاده بجا از استعارۀ مکنیه است که عشق را به باران و برفی تشبیه و ملائم آن یعنی باریدن را هم در متن ذکر کرده است و امثال این متون در ادبیات قدیم - هر چند خیلی کم - باعث تحیر خواننده میشود که چقدر از لحاظ زبان و تصویر تازه است.

توجه به این آرایه و شاید هم ناخواسته بر اساس ذهنیات سوررئالیستی و یا فانتری و اشعار آزاد سبب شد که این نوع تصویرسازی مورد توجه شاعران نوگرا قرار بگیرد.

«روشنی را بچشمیم» (هشت کتاب، سپهری: ص ۲۹۳)

«دستهایم را در باغچه میکارم

سبز خواهد شد، میدانم، میدانم، میدانم» (دیوان اشعار، فرخزاد: ص ۴۱۸)

شاعران غزلسرای امروز برای خیال‌انگیزتر کردن غزل‌های خود با تأسی از شاعران نیمایی و آزاد به این نوع استعاره روی خوش نشان دادند به طوری که بسامد این نوع استعاره در غزل‌های آنها بسیار بالاست.

این نوع استعاره علاوه بر خیال‌انگیز کردن شعر، سبب آفرینش تصاویر سوررئالیستی و همچنین در اغلب موارد همراه با حس‌آمیزی است که موجب تراحم تصویر و مخیلتر کردن شعر میشود.

گرچه خشتی از تو را حتی به رویا هم ندارم

زیر سقف آشنایی‌هاست می‌خواهم بمانم  
(گاهی دلم برای خودم تنگ میشود، بهمنی: ص ۶۱)

امشب به یادت پرسه خواهم زد غریبانه

در کوچه‌های ذهنم - اکنون بی تو ویرانه  
(مجموعه اشعار، منزوی: ص ۳۳)



در لباس آبی از من بیشتر دل میبری  
آسمان وقتی که میپوشی کبوتر میشوم  
(میخانه بی خواب، فرجی: ص ۱۷)

خوش آمدی، بنشین، آفتاب دم کردم  
که «چای دغدغه عاشقانه» من نیست  
(چله تاک، بدیع: ص ۱۴)

گرگ گرسنه بود که در دشت میوزید  
در آن شب مهیب زمستان یکی یکی  
(این مرد یک مثلث بی ضلع، معارف‌وند: ص ۲۴)

مرا به جرعه‌ای از چشمهات دعوت کن  
که چای سبز برای سلامتی خوب است  
(منم که میگذری، فرجی: ص ۳۹)

در این بیت چند تصویر در کنار هم جمع شده‌اند و تزامنی تصویر در زبان امروزی آفریده‌اند که در کل بی‌تی ناب را رقم زده‌اند.

(۱) استفاده از واژه‌های امروزی در غزل: چای سبز، ۲) اسلوب معادله به سبک شاعران هندی با تصویر و زبان امروزی و بیرون از تکلف، ۳) استعاره مکنیه از نوع مشابه به بیجان که چشم را به نوشیدنی (چای سبز) تشبیه کرده و ملائم آن لفظ جرعه است. ۴) حس- آمیزی، زیرا جرعه به حس ذائقه مربوط است و چشم به حس بینایی و یا نهایت لامسه (بوسیدن چشم). ۵) تصویر جدید از معشوق که با تصاویر سنتی آن متفاوت است زیرا در این بیت چشم را در سبزی به چای سبز تشبیه کرده است.

#### ۵-۷- دیدگاه‌های متفاوت در اسطوره‌پردازی

اسطوره‌ها، باور و یا دیدگاه جهانی یک ملت یا قوم هستند تا به واسطه آن بسیاری از حوادث طبیعی یا فوق طبیعی ناشناخته را برای خود و دیگران روشن کنند. به طور مثال در اسطوره‌های یونانی ماجرای پدید آمدن آتش را به «پرومپته» نسبت می‌دهند و اعتقاد آیین زرتشتی «تیر» یا «تشت» نگهبان باران است. «آنچه مسلم است این است که در روزگار ما در جهان متمدن امروز، شکفتن و بالیدن اسطوره‌ها مجالی ندارد زیرا ذهن اندیشمند و آگاه بشر همه چیز را بر بنیاد تعقل و منطق بررسی می‌کند.» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۲۳۶)

ولی دنیای رازگونه اساطیر سبب گشته است که همیشه یکی از منابع آفرینش در ادبیات و به خصوص شعر باشد. استفاده از اسطوره علاوه بر غنی کردن شعر و ایجازی که به آن میبخشد به خیال‌انگیزی و تصویرسازی شعر کمکی به سزا می‌کند. شاعر غزلسرای امروز به چندین روش به نو کردن زبان اسطوره‌ای خود می‌پردازد تا با باز کردن فضایی تازه، تصویرهایی نو از اسطوره بسازد:

### ۵-۷-۱- بازآفرینی و بازسازی اسطوره‌ها (و گاه تغییر کاربردی آنها)

به ساق و ساعد او چون نظر کند زرتشت  
ز دست ملت‌ه‌بش تازیبانه میفتد  
(مجموعه اشعار، نیستانی: ص ۲۸۱)  
حتی اگر بیرحم باشی مثل ابراهیم  
نفرین؟ زبانه لال! حتی اخم یا آهی  
(از ماه تا ماهی، صفایی: ص ۴۲)

### ۵-۷-۲- اسطوره‌های سایر ملل

ببین به هیأت نیلوفر فرا نشستن بودا را  
نگشته دامن پاکش تر گذشته آب ز سر ما را  
(مجموعه اشعار، بهبهانی: ص ۱۶۷)

### ۵-۷-۳- تلفیق دو یا چند اسطوره با هم (مثل تلفیق اسطوره‌های ایرانی و اسلامی)

جاری شده از کرب و بلا آمده وانگاه  
آمیخته با خون سیاوش در ایران  
(از کهربا و کافور، منزوی: ص ۴۹)  
سوزشان: آتش طور موسوی  
داغشان: مَهر محراب زردشت  
(آینه‌های ناگهان، امین‌پور: ص ۱۵۳)

### ۵-۷-۴- اسطوره به عنوان سمبول یا رمز

استفاده از اسطوره به جای سمبول در بسیاری از شاعران نو بازخورد دارد به ویژه در غزلهای شاعران سمبلیکی همچون دکتر شفیعی کدکنی. «غزلهای نو «م. سرشک» همچون اغلب آثار نیمایی‌اش، در قالب رمزها و سمبول‌های تاریخی و اسطوره‌ای، بازتاب حرکت‌های سیاسی - اجتماعی اوایل دهه پنجاه به بعد است.» (سیر غزل در شعر فارسی، روزبه: ص ۱۹۸)  
ای دل‌قکان تاریخ! مشاطگان ابلیس  
کامروز میهراسید ز آواز گرم‌پویش  
(هزاره دوم آهوی کوهی، شفیعی کدکنی: ص ۱۲۶)  
دیگر به انتظار کدامین رسالتی  
وقتی عصای معجزه‌ها مار میشود  
(گاهی دلم برای خودم تنگ میشود، بهمنی: ص ۲۲)

### ۵-۸- نمادهای تازه

یکی از نموده‌های نوآوری در غزل معاصر بهره‌گیری از سمبول‌ها و نمادهای تازه است. «آنچه ما نمادش می‌نامیم یک اصطلاح است، یک نام یا نمایه‌ای که افزون بر معانی قراردادی و آشکار روزمره خود، دارای معانی متناقضی نیز باشد. نماد شامل چیز گنگ، ناشناخته یا پنهان از ماست ... بنابراین یک کلمه، یا یک نمایه هنگامی نمادین می‌شود که بیش از مفهوم آشکار و بدون واسطه خود داشته باشد.» (انسان و سمبول‌هایش، یونگ: ص ۱۵-۱۶)

معمولاً شاعران به چهار علت عمده از زبان نمادین بهره میگیرند: ۱- پیچیده و مخیل کردن زبان شعر، ۲- بیان مسائلی که مربوط به احساس و عاطفه هستند و توضیح عینی و مستقیم آنها غیرممکن است، ۳- پنهان کردن منظور و مقصود در پشت زبان نمادین که در موقع لزوم بتوانند از تبعات آن فرار کنند، ۴- ساخت یک تیپ یا شخصیت که نمایانگر خود شاعر و یا گروه خاصی باشد.

بدیهی است که شماره یک منظور نظر تمامی شاعرانی است که از این آرایه در شعرهایشان استفاده میکنند. شماره دو در غزل دفاع مقدس به دلیل عوامل روحی خاصی که در جبهه‌ها حاکم بود بیشتر به چشم میآید. در این دوره شاعران غزلسرا از نمادهایی بهره برده‌اند که بعضی از آنها مربوط به محیط اطراف آنها میشد. نمادهایی از قبیل لاله، کبوتر، پرواز، قفس، دریا، موج، صخره، آتشفشان، کاروان، باران، خورشید، نخل، چغیه، پلاک و...

ز متن مبهم مه آشکار خواهم شد      کشیده تیغ طلایی سوار بر خورشید

(تنفس صبح، امین‌گور: ص ۱۰۳)

به زیر خاک به خاکستری رضا بودیم      عجیب بود که آتشفشان درآوردیم

(چقدر پنجره، بیابانکی: ص ۲۶)

نخلها بی‌سر و شط از گل و باران خالی      هیچکس نیست در این سنگر باقیمانده

(همان: ص ۵۵)

شماره سه در دوره رواج غزل سمبلیک، یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و همچنین در غزلهای موسوم به غزل اعتراض بیشتر به چشم میآید. مثلاً شب یکی از مفاهیم نمادینی است که در این دوره از غزل در شعر تمامی شاعران سمبلیک حضور دارد و نماد استبداد، خفقان و ظلم و ستم طبقه حاکم است.

یکی ز شب‌گرفتگان چراغ بر نمی‌کند      کسی به کوچه‌سار شب در سحر نمی‌زند

(آینه در آینه، ابتهاج: ص ۱۱۱)

همچنین واژه‌هایی چون موج، بیشه، گیاه، جنگل و خزر سمبلهایی هستند که پس از حادثه قیام سیاهکل نماد مبارزه با رژیم به شمار می‌آمدند که البته به دلیل کثرت استفاده کم کم تبدیل به نشانه شدند.

موج موج خزر از سوگ سیه‌پوشانند      بیشه دلگیر و گیاهان همه خاموشانند

بنگر آن جامه‌کبودان افق، صبح‌دمان      روح باغند کزین گونه سیه‌پوشانند

(شعر زمان ما، شفیع کدکنی: ص ۱۸۱-۱۸۲)

شماره چهار بیشتر در غزلیات اجتماعی به چشم میآید. مثل نماد خودساخته «کولی» در

غزل‌های سیمین بهبهانی. «کولی دخترکی است که اهل سفر و عمل است، حرکت و پویایی دارد... هرچند گاهی دچار سرخوردگی هم میشود اما باز در شعرهای دیگر ظهور میکند و دوباره به کنش برمیخیزد.» (گهوارهٔ سبز افرا، ابومحبوب: ص ۳۹۰)

با قدمهای کولی دشت بیدار میشد      با زلال نگاهش برکه سرشار میشد  
 یال اسبش که میتاخت باد را شانه میزد      ضرب نعلش که میکوفت رقص تاتار میشد  
 (مجموعه اشعار، بهبهانی: ۶۴۲)

#### ۵-۹- تمثیل

بعضی از شاعران نوغزلسرا برای تصویرسازی نگاهی به سبک هندی و آرایهٔ اسلوب معادله دارند. «ساختار بیت هندی چنین است که در مصرعی مطلب معقولی گفته شود، یعنی شعاری مطرح شود... و در مصرع دیگر با تمثیل یا رابطهٔ لف و نشری متناظر با تشبیه مرکب، آن را محسوس کنند. همهٔ هنر شاعر در این مصرع اخیر است. یعنی در مصرعی که باید معقول را محسوس کند و هرچه رابطهٔ بین دو مصرع هنریتر و منسجمتر باشد بیت دلنشینتر است.» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۷۶-۲۷۷)

برخی از شاعران نوغزلسرا سعی کردند با حفظ تازه بودن زبان غزل، تعادلی بین سبک عراقی و هندی و غزل نو برقرار کنند. به طوری که بر خلاف سبک هندی که استقلال ابیات و گسستگی تصویر در محور عمودی در اعلا درجه است همچنانکه به وسیلهٔ تمثیلی بدیع و گاه امروزین در واحد بیت تصویر میافزینند، پیوستگی معنوی و تصویری را در محور عمودی نیز حفظ کنند. من و تو پنجره‌های قطار در سفریم      سفر مرا به تو نزدیکتر نخواهد کرد  
 (آنها، نظری: ص ۱۰۱)

و این بیت که از قوانین فیزیک (آینه‌های موازی) ملهم گردیده است.

دیدار ما تصور یک بینهایت است      با یکدگر دو آینه را روبرو مکن  
 (همان: ص ۲۵)

چون طفل که از خوردن داروست پریشان      با دوست پریشانم و بی‌دوست پریشان  
 (از پنجره‌های بی‌پرنده، بدیع: ص ۲۱)

#### ۵-۱۰- تشخیص و جاندارپنداری و احساس این‌همانی با طبیعت بی‌جان

آرایهٔ تشخیص و جاندارپنداری از قدیم در ادبیات و شعر فارسی از آرایه‌های تصویرساز به شمار میرفته و نوعی از استعاره (استعارهٔ مکنیه) محسوب میشده است. اما تشخیص و جاندارپنداری در غزل نو بسیار زنده، محسوس و ملموس است. تمام موجودات دارای حیات هستند و شاعر با طبیعت و محیط اطراف خود احساس این‌همانی میکند. (محسوس هست چون خود آنها را تجربه

میکنند و زنده هست چون در خیال خود با آنها احساس یگانگی میکنند.) «فردریک تئودور فیشر (۱۸۸۷-۱۸۰۷) - شاعر، منتقد و نظریه‌پرداز آلمانی - می‌گوید: «اگر موضوع مشاهده یک ستاره یا یک گل باشد من خود را به حدی کوچک میکنم که در آن بگنجم و اگر برعکس موضوع بزرگ باشد، من خود را وسیع و بزرگ مینمایم. من در آغوش ابر می‌گرم، راست و جهنده و فاتحانه در امواجم.»» (سیر تحول در غزل فارسی، روزه: ص ۱۶۰-۱۶۱)

بدون صبر لحظه لحظه میشوند قاتلم	کسی مرا کمک کند که نیشهای عقربه
(یک سرنوشت سه حرفی، زارع: ص ۳۳)	
آنقدر خیره شد که تبسم شروع شد	آیینه خیره شد به من و من به آینه
(گریه‌های امپراتور، نظری: ص ۶۱)	
من تنک‌شاخی هراسان از تبرداران پیرم	ای درختان تناور، «پنجه‌زن در چشم اختر»
(خطی ز سرعت و از آتش، بهبهانی: ص ۲۰)	
گنجشک من تو باشی و من آشیانه‌ات	در فصل جفتگیری فولاد و سنگ کاش
(از پنجره‌های بی‌پرنده، بدیع: ص ۴۳)	

#### ۵-۱۱- تلمیحات نو

یکی از عناصری که سبب نو شدن تصاویر در غزل شده است تلمیحات جدیدی است که در شعر گذشته یا وجود نداشته و یا ناشناخته مانده است. تلمیح به نام کتابها، فیلمها و نمایشنامه‌های معروف و همچنین افسانه‌های ناب ازین گونه است.

#### ۵-۱۱-۱- عنوان کتاب

از خدا باید بخواهی تا «من او» یت کند	بندگان در بند خویشند از کسی یاری نخواه
(شجره‌نامه یک جن، بدیع: ص ۵۳)	
کی آفتاب برین آشیانه میفتد	چو «بوف کور» به ظلمت خزیده‌ام، آیا
(مجموعه اشعار، نیستانی: ص ۲۷۷)	
شعله نارنجی‌اش در نگهم روشن است	آه بیا، «عقل سرخ»، رنگ جنون را ببین!
(یک دریچه آزادی، بهبهانی: ص ۱۶)	

۱- نام رمانی از رضا امیرخانی

۲- کتابی از صادق هدایت

۳- کتابی از سهروردی

### ۵-۱۱-۲- عنوان فیلم و نمایشنامه

بگذار به «عروسی خون» دعوتت کنم  
دستی جلو بیار و حنای مرا بگیر  
(میخانه بی خواب، فرجی: ص ۱۰۰)  
سرد است و دستان همه در جیبها مشتند  
«قیصر» کجایی که برادرهات را کشتند  
سید مهدی موسوی (غزل روزگار ما، حسینی: ص ۲۶۶)

### ۵-۱۱-۳- افسانه‌های فراموش شده

خیال خام پلنگ من به فکر ماه پریدن بود  
و ماه را ز بلندایش به روی خاک کشیدن بود  
(از ترمه و تغزل، منزوی: ص ۱۷۸)  
بکر بودن این افسانه علاوه بر اینکه تازگی و زیبایی مضاعفی به این غزل داده است و در  
حقیقت حسن مطلع شگفت‌آور این غزل است، سیلی از تقلید از این افسانه و مضمون را به دنبال  
خود کشاند.

من محال است به دیدار تو قانع باشم  
کی پلنگی شده راضی به تماشا از ماه  
(گریه‌های امپراتور، نظری: ص ۴۱)  
پیشانی‌ات سپاه مبادا به ننگها  
ای ماه ای مراد تمام پلنگها  
(از پنجره‌های بی‌پرنده، بدیع: ص ۲۹)

### ۵-۱۲- پارادوکس

پارادوکس یا متناقض‌نما یکی از آرایه‌های تصویرساز است و عموماً تصاویر مبهمی میسازد که  
با قلم نقاشی بهیچ وجه نمیتوان آن را به تصویر کشید و تنها توسط کلام ایجاد میشود. «بیان  
متناقض‌نما، تناقض دو لفظ است که یکی از آن دو امری را اثبات کند و دیگری نفی. این نوع  
بیان به ظاهر ضد و نقیض با اینکه مخالف عقل سلیم است بر مبنای حقیقتی شکل گرفته است.»  
(واژگان توصیفی ادبیات، رضایی: ص ۲۴۷)

اگرچه در همه دوره‌ها، به ویژه در شعر عرفانی، تصاویر پارادوکسی وجود داشته است اما در  
سبک هندی بسامد بالایی مییابد. سپس به تبعیت از سبک هندی به ویژه غزلهای بیدل، در شعر  
نیمایی و غزل معاصر بسیار به چشم میآید و تصاویری ژرف و عمیق می‌آفریند.

هر آینه آینه و هر آینه سنگم  
هم سنگم و هم آینه... من نامم و ننگم  
(چله تاک، بدیع: ص ۳۳)

۱- عنوان نمایشنامه‌ای از لورکا

۲- عنوان فیلم سینمایی از مسعود کیمیایی

میروی و خانه لبریز از نبودت میشود باز تنها میشوم با یاد مهمانی که نیست  
(زیر بارانی که نیست، امیری: ص ۹-۱۰)  
موسیقی سکوت صدایی شنیدنی است بگذار گفتگو به زبان هنر شود  
(ضد، نظری: ص ۴۵)

### ۵-۱۳- روایت

یکی از مهمترین عناصر تصویرساز در غزل امروز عنصر روایت است. همانگونه که قبلاً ذکر شد تمایز شعر نو و شعر کلاسیک عینی بودن آن است. شاعر به وسیله روایت به بیان تک تک جزئیات تجربه عینی خود میپردازد و به جای بیان موضوع، با ذکر جزء جزء حادثه و حتی تغییر لحن و یا تغییر زاویه (همچون دوربینی) محتوای غزل را در پیش چشم خواننده به تصویر میکشد. «چرا هنگامیکه میخواهیم نشاط‌انگیزی چیزی را بنمایانیم خود آن چیز را دقیق و کافی وصف نکنی؟ تا صفت نشاط‌انگیزش همراهش و در خودش بیاید؟ چرا به زور گفتن و اصرار در اینکه فلان چیز یا فلان گفته، خنده‌آور، یا حزن‌انگیز بود، بخواهیم ریش پیش خواننده گرو بگذاریم که بیا و خنده‌ات را بیاور، یا حزن‌ت را انگیزته کن.» (بدعتها و بدایع نیما یوشیج، اخوان ثالث: ص ۲۴۰)

بر همین اساس است که در حقیقت شعر و غزل روایی با استفاده از همین راهکار بیشترین تأثیر را در نمود مسائل اجتماعی میگذارد و با تصویر کشیدن مسائل مختلف خواننده را با شاعر همراه میسازد. مثلاً برای تصویر کشیدن فقر و شرمندگی مادری در برابر خواسته‌های کوچک کودک و همچنین بیرحمی روزگار و مردمانش و نهایتاً بزهکاری کودک به سبب عقده‌هایی که هر روز به خاطر اختلاف طبقاتی در دل و ذهنش انباشته است چه زبانی بهتر از روایت همراه با تغییر لحن میتواند یاریگر باشد:

آثار روایی از آنجا که تصویرگر زندگی شاعرند، به هیچ عنوان تکراری نیستند و شعر و غزل همیشه آماده روپارویی با هر رویداد بیرونی است تا آن را تجربه کند و به زبان روایت با جزئیترین شکل آن را تصویر کند؛ بنابراین بر مضمون آن همیشه میتوان چیز تازه‌ای افزود. «آثار روایی - چه شعر و چه نثر - با جوامع جدید پیوند انداموار و ناگزیر دارند، چه جوامع جدید عرصه نظامهای بازند که دائم بر آنها چیزهای تازه افزوده میشود و از آنها چیزهای کهنه بیرون رانده میشود.» (زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، حق شناس: ص ۸۷)

«شلوار تاخورده دارد مردی که یک پا ندارد خشم است و آتش نگاهش، یعنی: تماشا ندارد  
رخساره می‌تابم از او اما به چشمم نشسته بس نوجوان است و شاید از بیست بالا ندارد  
رومی‌کنم سوی او باز تا گفت و گویی کنم ساز رفته‌ست و خالی‌ست جایش مردی که یک پا ندارد»  
(یک دریچه آزادی، بهبهانی: ۱۳۶)

از آنجا که مضمون و محتوای غزل روایی مستقیماً از ساختار معنایی به ظاهر تک‌لایه آن به دست می‌آید و سبب می‌شود که غزل روایی چندان خیال‌انگیز به نظر نرسد، گروهی از شاعران غزلسرا - که بعدها به شاعران غزل فرم معروف شدند - بر آن شدند که ابهام - یکی از بهترین عناصر خیال - را وارد روایت کنند. اگرچه روایت در غزل این شاعران بر پایهٔ رخدادهای مرتب و منطقی بر روی سیر خطی زمان حرکت میکند، اما بازیهای زبانی و بعضی عناصر دیگر مثل تفکر سوررئالیستی و فانتزی و انواع استعاره‌ها به خصوص استعارهٔ مکنیه، قافیه و ردیفهای نو، تغییر زاویهٔ دید و روایت با ساختارهای نمایشی (نمایشنامه‌ای - فیلمنامه‌ای) غزلهای آنها را مبهم و خیال‌انگیز ساخته است.

گلی کنار چه «ان، کلبه‌ای ته دنیا	به خواب دهکدهٔ سبز کلبه‌ها، گلها
چه میوه‌هایی! ازین فصل نیستید انگار	کسی ندید شما را، چه میکنید اینجا
درست نیمهٔ شب، پیش چشم ماه بزرگ	به خواب کودک خود، دست میبرد بابا
ستاره‌ها را در کیسه میکند پنهان	به جای سکه به بازار میبرد فردا
گلی مچاله شده، کلبه‌ای مقوایی	و کودک کوری پشت پنجره تنها

(مرد بی‌مورد، میرزایی: ص ۲۶-۲۷)

این مسأله در غزلهای شاعران پست مدرن با نظر به تفکرات «لیوتار» و «دریدا» به گسست روایت انجامید. «این اصل همان درهم شکستن ساختار اصلی اثر و تکه تکه کردن روایت و تقسیم آن در سراسر غزل است. توجه پست مدرنها در این باره این است که شاعر با این کار، مرکزیت شعر را در هم میریزد و مرکز را به تعداد مورد نیاز اثر تقسیم میکند (موازی با چندصدایی)» (مدرنیزم و پست مدرنیزم در غزل امروز ایران، طیب: ص ۳۴۸)

این آشفته‌نویسی و پریشانی ساختار و محتوا در غزلهای پسامدرن گاه منجر به حرکتی رو به عقب - و چه بسا نابودکننده - در ساخت تصاویر خیال‌انگیز غزلهای رواییست و تنها ارمغان آن زایش یک سری تصویرهای پراکنده و اسکیزوفرنی است، البته گاهی این تصویرهای کوچک همچون پازلی میمانند که چینش آنها در کنار هم منجر به آفرینش تصویرهایی غافلگیرکننده میشود.

از چارراه رد شده بودم به چند راه

۱

یک عده فکر عکس سفر بود توی ماه! / با شوق روی چند نگاتیو سوخته  
ظاهر شدند آدمها تا ابد سیاه



۲

یک عده پشت میله به شب زل زدند تا / مردی بیاید از طرف متن راه راه  
شاید که اسم این همه بد را عوض کند

۳

یک عده هم نگاه فقط تا ابد نگاه / یک عده هم نگاه فقط تا ابد نگاه  
یک عده هم نگاه فقط تا ابد نگاه

۴

یک عده زل زدند به هر راه اشتباه / و دست توی دست به پا خواستند تا  
[اعدام دسته جمعی یک مشت بی‌گناه]

□

معلوم بود در وسط خون و اشک و دود / در چارراه بعدی ما هیچکس نبود  
(انقراض پلنگ ایرانی با افزایش بی‌رویه تعداد گوسفندان، موسوی: ص ۱۹۵-۱۹۶)

#### ۵-۱۴- ردیف

استفاده از ردیفهای خاص اسمی، فعلی و توسعه این ردیفها از جهت زبان و محتوا، در ساختار غزل از دستاوردهای شاعران نوغزلسرا برای آفرینش تصاویر جدید و محکم کردن ساختار کلی غزل حول و حوش این تصویر است. «ردیف، همچنان که از یک سوی گوینده را در تنگنای انتخاب کلمات قرار میدهد برای شاعری که قدرت تخیل و نیروی ساختن تصویر و تداعی معانی تازه داشته باشد روزنه‌ای است برای خلق خیالهای بدیع و تصویرهای تازه.» (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۲۲۶)

اگر ردیف در آثار متقدمین سبب آفرینش ترکیبهای بدیع و ساخت استعاره و کنایه‌های تازه میشود، شاعر امروز علاوه بر این نوع تصویرسازی از قابلیت‌های دیگر ردیف از جمله استفاده از ویژگی نام‌آوایی و تناسب آن با محتوا و گسترش واژه ردیف از پایان بیت به داخل متن به گونه‌ای که متن حول تصویر ردیف میگردد برای تصویرسازی استفاده میکند؛ مانند غزلی از شاعری به نام میرعبدالله در حوزه دفاع مقدس برای جانبازان شیمیایی.

«سلام، خسته نباشید، دوستان، سرفه	همیشه سفره‌تان غرق آب و نان، سرفه
حریر خواب شما، سرفه، گرم و نرمینه	لباس روح شما سرفه، پرنیان، سرفه
و سرفه، سرفه ممتد، سیاه و دردآلود	گرفته است از او این زمان، امان سرفه»

(نحو دیگر غزل، زارعی: ص ۱۹۷)

و یا غزلی دیگر با ردیف «که نیست» که در واقع ردیف حالتی وهم‌آلود و حزن‌انگیز را در

لباسی از خیال بر تن تمام غزل پوشانده است و به جرأت میتوان گفت هیچ چیز دیگری مثل ردیف چنین تصویری را نمیتوانست خلق کند به ویژه آنکه تکرار ردیف در پایان هر بیت چون ساعتی شماطه‌دار فراق یار و وهمی بودن خیالات خوش او را به عاشق گوشزد میکند.

در خیالات خودم در زیر بارانی که نیست      میرسم با تو به خانه، از خیابانی که نیست  
 مینشینی روبرویم خستگی در میکنی      چای میریزم برایت توی فنجان که نیست  
 رفته‌ای و بعد تو این کار هر روز من است      باور اینکه نباشی، کار آسانی که نیست!  
 (زیر بارانی که نیست، امیری: ص ۹-۱۰)

در غزل نو گاهی شاعر متناسب با فضای شعر با حفظ قافیه ردیف را عوض میکند. در غزل زیر که چند بیت آن به عنوان نمونه ذکر شده است، شاعر با ردیف قرار دادن عناصر اربعه، علاوه بر تناسبی که بین این چهار عنصر ایجاد کرده است، تصویری آفریده که بی‌تغییر ردیف امکان‌پذیر نبود، به ویژه آنکه در بند آخر، به واسطه این چهار عنصر، تصویری منسجم از غزل به نمایش میگذارد.

تو ماه کاملی و من جزیره‌ای در آب      مرا به مد تو هر شب گذشته از سر آب  
 مرا که دانه صد سال خفته‌ام در خاک      ببین که تا ابد از یاد برده دیگر خاک  
 مرا به جرم تو انداختند در آتش      بعید نیست گلستان شود اگر آتش  
 پری که سوخته پرواز تازه‌ای دارد      سبک، گریخته، بی‌خانمان، رها بر باد  
 جزیره، دانه، پرم من در آب و خاک و باد      پس از تو قسمتم از روزگار بهتر باد  
 (میخانه بی‌خواب، فرجی: ص ۱۳۹-۱۴۲)

و گاه شاعر با آوردن «سه نقطه» در پایان ردیف و ایجاد تعلیق در معنا، تصویری مبهم را در ذهن مخاطب میسازد و خواننده را در تکمیل شعر به مشارکت فرامیخواند.

تو نیستی و این در و دیوار هیچ وقت      غیر از تو من به هیچکس انگار هیچوقت  
 اینجا دلم برای تو هی شور میزند      از خود مواظبت کن و نگذار هیچوقت  
 (عشق قابیل است، زارع: ص ۳۹)

## ۶- نتیجه

بررسی شیوه‌های تصویرسازی در غزل نو این حقیقت را آشکار میسازد که شاعر امروز برای نو و در نتیجه متمایز کردن تصاویر خیال در شعر خود از سه روش عمده بهره برده است: ۱- استفاده از عنصر زبان و نگاهی جزئی‌نگر به محیط اطراف؛ مانند بکارگیری واژه‌های امروزی و اصطلاحات و واژه‌های خاص علمی، ادبی و... ۲- نگاهی نو به صور خیال و

تغییر زاویه دید؛ مانند نوگرایی در ساخت تصاویر به وسیله آرایه‌های ادبی همچون تشبیه، استعاره، تشخیص، جاندارپنداری، تلمیح، اسطوره، سمبول، پارادوکس، تمثیل و... ۳- بکارگیری هوشمندانه شیوه‌های نوینی که یا کلاً بیسابقه هستند و یا آنقدر سابقه ناچیزی دارند که قابل چشمپوشی هستند؛ مانند استفاده از روایت بعنوان یکی از مهمترین عناصر تصویرساز در غزل امروز، استفاده پربسامد از «استعاره مکنیه با مشبه به غیر جاندار»، روی آوردن به ترکیب‌سازیهای نو در برهه‌ای خاص، نگاهی نو به ردیف برای خلق تصاویر نو و بکر. غزل نو با استفاده از روشهای مذکور، صاحب سبکی در شیوه تصویرپردازی شده است که آن را نسبت به دوره‌های پیشین متمایز میسازد و تشخص ویژه‌ای به آن میبخشد.

#### منابع و مأخذ

- ۱- آقای هیچکس، ابراهیم‌پور، حامد، چاپ اول، ۱۳۹۵، تهران، انتشارات نیماژ.
- ۲- آن سوی باد، پرنگ، نوذر، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران، انتشارات سنایی.
- ۳- آنها، نظری، فاضل، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۴- آینه در آینه، ابتهاج، هوشنگ، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۳، تهران، نشر چشمه.
- ۵- آینه‌های ناگهان، امین‌پور، قیصر، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۱، تهران، نشر افق.
- ۶- ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ ششم، ۱۳۹۰، تهران، انتشارات سخن.
- ۷- از پنجره‌های بی‌پرنده، بدیع، علیرضا، چاپ دوم، ۱۳۸۸، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۸- از ترمه و تغزل، منزوی، حسین، چاپ هشتم، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات روزبهان.
- ۹- از شوکران و شکر، منزوی، حسین، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، تهران، انتشارات آفرینش.
- ۱۰- از کهربا و کافور، منزوی، حسین، چاپ اول، ۱۳۷۷، تهران، نشر کتاب زمان.
- ۱۱- از ماه تا ماهی، صفایی، پانته‌آ، چاپ سوم، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۱۲- انسان و سمبول‌هایش، یونگ، کارل گوستاو، ترجمه دکتر محمود سلطانیه، چاپ ششم، ۱۳۸۶، تهران، نشر جامی.
- ۱۳- انقراض پلنگ ایرانی با افزایش بی‌رویه تعداد گوسفندان، موسوی، سیدمهدی، چاپ سوم، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات نیماژ.
- ۱۴- این مرد یک مثلث بی‌ضلع، معارف‌وند، مجید، چاپ دوم، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات شانی.
- ۱۵- با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ دوم، ۱۳۹۰، تهران، انتشارات سخن.
- ۱۶- بانگ در بانگ، طاهری، قدرت‌الله، چاپ اول، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات علمی.

- ۱۷- بیان، شمیسا، سیروس، چاپ دم از ویرایش سوم، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات میترا.
- ۱۸- تذکره‌الاولیا، عطار نیشابوری، بررسی، تصحیح متن و توضیحات و فهرس: محمد استعلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۸، تهران، انتشارات زوار.
- ۱۹- تنفس صبح، امین‌پور، قیصر، چاپ اول، ۱۳۶۳، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۰- چقدر پنجره، بیابانکی، سعید، چاپ اول، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات شهرستان ادب.
- ۲۱- چله‌تاک، بدیع، علیرضا، چاپ هفتم، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۲۲- چمدان معطل، فرجی، مهدی، چاپ اول، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۲۳- حماسه در حریر، احتشامی، خسرو، چاپ اول، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات جمهوری.
- ۲۴- حنجره زخمی تغزل، منزوی، حسین، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، تهران، انتشارات آفرینش.
- ۲۵- خطی ز سرعت و از آتش، بهبهانی، سیمین، چاپ اول، ۱۳۶۰، تهران، انتشارات زوار.
- ۲۶- خون‌نامه خاک، مردانی، نصرالله، چاپ دوم، ۱۳۷۰، تهران، انتشارات کیهان.
- ۲۷- دیوان اشعار فروغ فرخزاد، فرخزاد، فروغ، به کوشش بهروز جلالی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹، تهران، انتشارات مروارید.
- ۲۸- زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، حق‌شناس، علی محمد، چاپ دوم، ۱۳۹۰، تهران، نشر آگه.
- ۲۹- زیر بارانی که نیست، امیری، بیتا، چاپ دوم، ۱۳۹۵، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۳۰- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، چاپ پنجم از ویراست دوم، ۱۳۹۱، تهران، نشر میترا.
- ۳۱- سیر تحول در غزل فارسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، روزبه، محمدرضا، چاپ اول، ۱۳۷۹، تهران، انتشارات روزنه.
- ۳۲- سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس، چاپ دوم، ۱۳۶۹، تهران، انتشارات فردوسی.
- ۳۳- شجره‌نامه یک جن، بدیع، علیرضا، چاپ سوم، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۳۴- شعر زمان ما، شفیعی کدکنی، محمدرضا، به کوشش فیض شریفی، چاپ اول، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات نگاه.
- ۳۵- صدای موجی زن، قریشی، هدی و زنده‌دل، مونا، ۱۳۸۴، مشهد، انتشارات سخن‌گستر.
- ۳۶- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۶، چاپ یازدهم، تهران، نشر آگه.
- ۳۷- ضد، نظری، فاضل، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۳۸- عشق قابیل است، زارع، نجمه، چاپ دوم، ۱۳۸۸، اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم.
- ۳۹- غزل روزگار ما، حسینی، سید احمد، جلد اول، چاپ چهارم، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات نیماژ.
- ۴۰- گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود، بهمنی، محمدعلی، چاپ دوم، ۱۳۷۷، تهران، انتشارات دارینوش.

- ۴۱- گریه‌های امپراتور، نظری، فاضل، چاپ بیست و نهم، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۴۲- گزینه غزل، زریقی، غلامرضا، چاپ اول، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۴۳- گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، حسن‌لی، کاووس، چاپ سوم، ۱۳۹۱، تهران، نشر ثالث.
- ۴۴- گهواره سبز افرا، زندگی و شعر سیمین بهبهانی، پورمحبوب، احمد، چاپ دوم، ۱۳۸۷، تهران، نشر ثالث.
- ۴۵- مجموعه اشعار، بهبهانی، سیمین، چاپ ششم، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات نگاه.
- ۴۶- مجموعه اشعار، منزوی، حسین، چاپ سوم، ۱۳۹۱، تهران، انتشارات نگاه.
- ۴۷- مجموعه اشعار، نیستانی، منوچهر، چاپ اول، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات نگاه.
- ۴۸- مدرنیزم و پست مدرنیزم در غزل امروز ایران، طیب، محمود، چاپ اول، ۱۳۹۴، تهران، نشر زیتون سبز.
- ۴۹- مرد بی‌مورد، میرزایی، محمدسعید، چاپ سوم، ۱۳۹۳، تهران، نشر نیماژ.
- ۵۰- معالم البلاغه در علم معانی، بیان و بدیع، رجایی، محمدخلیل، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۵۱- منم که میگذری، فرجی مهدی، چاپ سوم، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۵۲- میخانه بی‌خواب، برجی، مهدی، چاپ هشتم، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات فصل پنجم.
- ۵۳- نحو دیگر غزل، زارعی، مهدی، چاپ اول، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات نصیرا.
- ۵۴- واژگان توصیفی ادبیات انگلیسی - فارسی، رضایی، عربعلی، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۵۵- هزاره‌ی دوم آهوی کوهی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ هفتم، ۱۳۹۰، تهران، نشر سخن.
- ۵۶- هشت کتاب، سپهری، سهراب، چاپ چهل و ششم، ۱۳۸۷، تهران، انتشارات طهوری.
- ۵۷- یک دریچه آزادی، بهبهانی، سیمین، چاپ اول، ۱۳۷۴، تهران، انتشارات سخن.
- ۵۸- یک سرنوشت سه حرفی، زارع، نجمه، چاپ هشتم، ۱۳۹۵، کرج، انتشارات شانی، انتشارات پایتخت.
- ۵۹- تصویر و شیوه‌های توصیف در غزل نو (با تکیه بر اشعار سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی)؛ فاطمه مدرسی، رقیه کاظم‌زاده؛ فصلنامه ادبیات فارسی؛ سال پنجم؛ شماره ۱۴؛ ۱۳۸۸.